

مستندات صلح در گیتی و ماخذ آن

۳

قسمت سوم

اول - صلح سیاسی بین المللی در تواریخ - صلح در مقام رفع
تنازع و تشاجر از زمان قبل از تاریخ وجود داشته و از زمانی که در بشریت تاریخ و کتاب معمول شد همه وقت این دستور بزرگ عقلانی حکمفرما بود و ما برای آنکه مستندات برای صلح تا جائیکه تاریخ دلالت دارد در حقوق بین الملل و بین الدول بیان کنیم ذیلاً به بعضی از آنها اشاره میکنیم

۱ - صلح بین دولت (رم) و (کارتاز) در جنگ اول معروف بجنک های یونیک (۱) طبق عهدنامه مورخه ۲۴۱ قبل از میلاد مسیح که بموجب آن رومیان تمام جزیره (سیسیل) واقع در بحر الروم را متصرف و غرامات زیاد گرفتند.

۲ - صلح دویم (رم) با اهالی (کارتاز) در زمان ریاست هانی بال (۲) جنگجوی معروف اسپانیا که قشونش در اثر فتوحات سیبون (۳) کونسول رومی شکست خورد در تاریخ ۲۰۱ قبل از میلاد مسیح که صلحنامه آن مفصل و در تواریخ مذکور است.

۳ - صلح اهالی یونان با (خشا یار شاه) شاهنشاه هخامنشی ایران است بسفارت کالپاس (۴) بعد از فوت (سیمون) رئیس ملت یونان در سال ۴۴۸ قبل از میلاد مسیح که خلاصه آن اینست :

« شاهنشاه ایران بساحل غربی آسیای صغیر کشتی نفرستد و قشون از مسافتی که با اسب تقریباً یکروز تا ساحل فاصله داشته باشد جلو تر نیاید »

۴ - صلح بین اهالی (اسپارت) و (یونان) در سال ۴۲۱ قبل از میلاد یعنی در (آتن) پایتخت یونان بعد از کشته شدن کله تون (۵) قائم و جنگجوی (آتن) (نیسیاس) که معروف بصانع طلایی بود با اهالی (اسپارت) صلح پنجاه ساله منعقد نمود که متن آنرا در یکی از معابد بزرگ امانت گذاشتند و بموجب آن هر دو طرف آنچه در نتیجه فتوحات بدست آورده بودند بیکدیگر مسترد داشتند و این عهدنامه صلح بنام نیسیاس (۶) معروف گردید.

۵ - صلح بعد از میلاد حضرت مسیح - صلح سیاسی در ممالک گیتی مخصوصاً در اروپا و آسیا بیشمار سابقه دارد مخصوصاً از قرن هفدهم بعد از میلاد به بعد از قبیل صلح های (اوترک) - صلح (اسپانیا با وین) در زمان (فلیپ پنجم) از جهت مخالفت (دوک دو بوربون) در ازدواج (لوئی پانزدهم) پادشاه فرانسه با دختر کوچک پادشاه اسپانیا و صلح (وین) در زمان (شارل ششم) امپراتور اطریش

- | | | |
|-----------|------------|-------------|
| 1) Pnniqu | 2) Hanibal | 3) Cippiunn |
| 4) Kalpas | 5) Cléon | 6) Nissias |

در اکتبر ۱۷۳۸ با فرانسه - و صلح معروف اکس لاشابل (۱) بین اطریش و انگلیس و فرانسه راجع به جنگ (هلانده) در سال ۱۷۴۷ - و صلح هو برتسبورگ (۲) که بعد از جنگهای هفت ساله دول مرکزی اروپا (بلکه تمام اروپا) که بنفع (فردریک) امپراتور آلمان تمام شد بین اطریش و آلمان و فرانسه در فوریه ۱۷۶۳ - و صلح (ورسای) در عهد (لویی شانزدهم) بین انگلیس و فرانسه روی امریکا که فرانسه ها با فرانکن (اتحاد نموده و در صدد جلوگیری از تجاوزات انگلیس در امریکا برآمدند و بواسطه اتحاد فرانسه با اغلب دول اروپا مخصوصا اسپانیا انگلیس تنها ماند و مجبور بصلح گردید - در سپتامبر ۱۷۸۳ و صلح معروف قینارجی (۳) بین روسیه و عثمانی در ازمنه تیکه دول اروپا مشغول تقسیم دول کوچک بودند منجمله تقسیم مملکت لهستان بین روس و اطریش و آلمان در صدد افتادند که عثمانی را هم بین خودشان تقسیم نمایند بدو روسیه بیهانهئی شروع به ترککازی نمود ولی عثمانی ها در شهر کوچک (قینارجی) در حوالی (بلغارستان) عقد صلح را منعقد و بموجب آن روسیه از متصرفات خود در خاک عثمانی صرف نظر و دولت عثمانی هم احترام مذهب (ارتودوکس) را قبول و کلیسای آنها را قبول نمود که با تمام آزادی مراسم مذهبی خودشان را بجای آورند (ارتودوکس شعبهئی از آئین مسیح است که در روسیه سابق رسمیت داشت) این صلح در ۲۱ ژوئیه ۱۷۷۴ بعد از میلاد مسیح منعقد گردید. و صلحهای معروف (نابلتون) ضمن عهد نامه کاهنوفورمیو (۴) و عهد نامه آمین (۵) بین بناپارت و دولت انگلیس در سال ۱۸۰۱ بعد از میلاد مسیح میباشد.

و صلح (برسیورک) در سال ۱۸۰۵ در ۲۶ دسامبر بین نابلتون و فرانسوای اول امپراتور اطریش است - و باز صلح نابلتون بناپارت در جنگ شدیدی با روسیه که بالنتیجه در ۲۶ ژوئن ۱۸۰۷ بعد از میلاد در تیلسیت (۶) روی قایقی در وسط رودخانه نیمن (۷) میباشد بین ایشان و (تسار) امپراتور روس که بنام صلح (تیلسیت) منعقد گردیده.

و صلح دیگر صلح (وین) است در ۱۴ اکتبر ۱۸۰۹ بعد از فتح نابلتون در اطریش معروف بفتح واکرام (۸) بین نابلتون و (فرانسوای اول) در پایتخت اطریش بامضا رسیده که بموجب آن متصرفات اطریش از مملکت لهستان و ولایت کالیسی (۹) از دست امپراتور اطریش انتزاع گردید.

صلحهای دیگر نیز در موقع اتحاد دول اروپائی برضد امپراتوری نابلتون مخصوصا در آخرین جنگ بناپارت که منتهی بشکست های نابلتون گردید منعقد شد منجمله بعد از جنگ معروف واترلو (۱۰) که دول متحده با

- 1) Icses-lachapelle
- 2) Houbér tesburghe
- 3) Ghinardji
- 4) Campophormio
- 5) Amine
- 6) Tilsit
- 7) Niémèn
- 8) Vagram
- 9) Kalisi
- 10) V atérlo

لومی هجدهم صلحنامه‌ی منقذ نمودند که مرز فرانسه بموجب آن برگشت بموقعیت قبل از انقلاب کبیر و منتهی به از دست رفتن سیادت بری و بحری فرانسه گردید .

بالجمله از قرن هیجدهم به بعد نیز همین نحو جنگها و صلحها بوجود پیوست که ذکر آنها از وظایف تاریخ نویسی است نه تاریخچه صلح و مستنداتش در گیتی .

دویم - صلح در آئین موسی - از جمله شرایعیکه در عالم بشریت

دارای قوانین محکم و مدون است و کتب آسمانی آن شامل دستورات زندگانی و حاوی قوانین مدنی است شریعت حضرت موسی و کتاب توریة که مشتمل بر اسفار چهارگانه است میباشد .

در شریعت موسی صلح در امور سیاسی و امور حقوقی و امور جزائی و امور تجاری مقرر است اما عظمت این موضوع بقدریکه در دین اسلام حائز اهمیت و دارای مبحث و کتاب خاص در تحریرات فقها است در اسفار توریة و قانون قضاوت بنی اسرائیل اهمیت ندارد .

صلح در قانون و شریعت موسی شامل همان تعریفی است که در کتب صلح فقهای اسلامی تعیین گردیده یعنی صلح طریقه‌ی نی است که بواسطه آن کلیه اختلافات حل و فصل میگردد - و ما بطور خلاصه کلیات صلح را با مدارک و ماخذ آن در شریعت موسی بیان میکنیم .

۱ - صلح در امور حقوق بین الملل عمومی در دین موسی -

صلح در امور سیاسی و مناسبات عمومی در توریة موسی مواردی دارد معلوم است که در آ زمان صلح بین الملل دارای کیفیاتی شبیه بوضعیات امروزه بوده و برای روشن شدن کیفیت آن استنادات زیر را بیان میکنیم .

الف - فصل دویم از سفر (مثنی) توریة از آیه ۲۲ بعد مینویسد - « پس ایلچیانرا از بیابان قدیموت با کلمات صلح آمیز نزد سیحون ملك حشیون فرستاده گفتم که از ملك تو بگذرم و بر شاهراه روانه شده بر است و چپ منحرف نمیشوم و ما کولات را به نقره بمن بفروش تا بخورم و هم آب را با نقره بمن بده تا بنوشم و به تنها و بیاده میگذرم..... الخ »

ب - و باز در فصل بیستم از کتاب اشاره شده از آیه ۱۰ بعد مینویسد: « هنگامیکه شهری بیش میروی تا آنکه با آن جنگ نمایی باوندای صلح برسان و لازم است اگر تو را جواب صلح آمیز بدهند و دروازه را بتو بگشایند که تمامی قومیکه در آن یافت می شوند بادای جزیه تورا بدهند شوند و اگر با تو صلح نکرده بانو جنگ نمایند آنرا محاصره نمای..... الخ »

صلح در قوانین قضائی موسی - مقدمه لازم است اشاره شود که شریعت حضرت موسی در اسفار اربعه مخصوصاً در فصول از ۲۱ تا ۳۴ از کتاب

(سفر خروج و از فصل ۱۶ تا ۱۹ از کتاب (سفر لویان) و از فصل ۲۰ تا ۲۸ از کتاب (سفر متشی) توریة خیلی دقیق تشریح شده و تقریباً فصول اشاره شده قانونی بتمام معنی صریح و ابدأ ابهام ندارد - فقط تنها کتاب قانونی که در بین علمای بنی اسرائیل امروز مورد عمل و مجموعه از احکام توریة در اسفار مذکوره میباشد کتاب قانون معروف به (قانون نامه هوشن مشیات) است که هوشن مشیات یکی از علمای مقبول العالمه بنی اسرائیل است.

در کتاب اشاره شده صلح را عقد مستقل ندانسته و بلغت (بشارا) بکسر (پ) در موارد ذیل متذکر گردیده است.

۱ - در دعاوی حقوقی اگر دعاوی بموجب مستند اقامه شود و در رسیدگی منتهی بجا کیمت مدعی گردد قاضی موظف است که از مدعی خواهش نماید که دعاوی را بصلح خاتمه داده و مدعی به را تقلیل دهد - و اگر دعاوی بدون مدرک و باستناد شهود اقامه شود یا مدرک ارائه شده مورد انکار مدعی گردد قاضی مکلف است قبل از رسیدگی صلح نموده و سعی نماید حتی القوه دعاوی را بصلح خاتمه دهد .

۲ - در دعاوی جزائی از قبیل قتل که جنایت باشد تا جحه کوچک در شریعت موسی و قانون نامه (هوشن مشیات) قصاص بشاب به آن میشود - یعنی در مقابل قتل قتل و در مقابل دندان بدندان و در مقابل دست بدست و در مقابل زخم بزخم مجرم مجازات میشود - در این قسمت نیز اشاره شده که مجرم میتواند بوسائل مقتضیه با معنی ایه یا طرف دعاوی جزائی خود بصلح اقدام و فرامت دهد و یا او را راضی نماید - در اینصورت یعنی بعد از حصول رضایت طرف دیگر حکم قصاص درباره مجرم نمیشود .

۳ - در امور تجاری چنانچه تاجر ورشکسته شود و توقض بدون تقصیر قانونی باشد میتواند با دخالت قاضی طلبکاران حقوق خودشانرا بر تاجر متوقف بصلح خاتمه داده و تاجر بواسطه این صلح ارفاقی اعاده اعتبار نموده بکسب خود مجدداً مشغول گردد .

بالتیجه - در دین موسی و قانون نامه هوشن مشیات صلح عقد فرعی و در تمام موارد حقوقی و مدنی میتوان تنازع و تجاذب را بوسیله آن خاتمه داد و تاثیرش بقدریکه عقدا لازم موثراست میباشد .

و چیزیکه بصلح خانم یافت نمیشود او را از سر گرفته تجدید مطلع نمود و در بعضی از موارد صلح ممکن نیست مثل زنای محسنه که در شریعت موسی قابل گذشت نبوده و زانی وزانیه محکوم باعدام میباشد - فلسفه این اصل نیز مسلم است زیرا هیچوقت در زنا محسنه رضایت مدعی خصوصی یعنی شوهر زانیه حاصل نمیشود .

» بطور معترضه اینقسمت با آنکه از موضوع بحث ما خارج است معذک عرض میکنم که احکام حضرت موسی و قسمتی از نصاب آن در آن عصر

بربریت فوق‌العاده جالب دقت و قسمت زیادی از آن حتی امروز هم نازکی دارد نهایت پیروان او عمل بآن نمایندند. « مخصوصا ارباب ذوق و بخت و فحش در ادیان را ببطالاه اسفار اربعه توریة موسی مخصوصا فصول نام‌برده دعوت مینمایم. »

سوم - صلح در آئین زرتشت - در کتاب اوستا و سایر کتب منسوب بدین زرتشت کلمات صاحب آئین زیاد است و رای خالی نبودن این رساله دو مستخرجه زیر را معروض میدارد.

۱ - در اوستای کشتی Cochti در قسمت کلمه شهادت مینویسد: « اقرار دارم بکیش یکتای بی‌همتا پرستی که دور از جنک و پایه آن بر صلح و راستی و پاکی استوار و همه را برادری شناسنده است. »

۲ - در سرشوش (بشست هادوخت) Yachte Hadaucht مینویسد: « سرشوش (جبرئیل) پاک و فیروزمند رهنمای براستی و بنانه راستان است به پیدایش خدای یکتا صلح و دوستی می‌بخشد و از صلح جویندگان نکهت‌بانی میکند آشتی و هر که براندازنده و دورکننده جنک و دشمنی است سزاوار ستایش است. »

چهارم - صلح در آئین عیسی (حضرت مسیح) - اهل فن و آئین شناسان میدانند که دین عیسی از جهتی مکمل و از جهتی مصحح دین موسی بوده که بعد از موسی بدست مورخین و انبیاء بنی اسرائیل از صورت اصلی خارج و مخلوط با خرافات و افسانه‌های عجیب گردیده که در کتب دینی عهد عتیق مندرج است.

و باز این مطلب روشن است که کتابی از زبان عیسی در دست نیست بلکه اناجیل اربعه برحسب اظهارات حواریون از قول حضرت عیسی منتشر و در دسترس است و مع‌التاسف این کتب چهارگانه دارای اختلافات بیشمار است. قدر مسلم آنچه اناجیل اربعه و نامه‌های حواریون دیده شده مبنای دین حضرت مسیح بر اصول اخلاق و صلح استوار و در تمام امور مردم را بصاحب‌طلبی و ارفاق و مسالمت با یکدیگر دعوت نموده است و برای نمونه و خالی نبودن این رساله از ماخذ و مستندات صاحب چند مورد از موارد تجریبات اناجیل و نامه‌های حواریون را ذیلا بیان میکنیم ؟

۱ - در باب پنجم از انجیل (متی) آیه ۹ مینویسد « خوشا بجان صلح کنندگان از آنجا که فرزندان خدا خوانده میشوند. . . . الخ »

۲ - و باز در همان باب از آیه ۲۳ به بعد از انجیل متی میگوید -

« پس اگر هدیه خود را در قربانگاه بیآوری و در همانجا بغضاطرات آید که بغضاطرت آید که برادر تو از تو گله مند است هدیه خود را پیش قربانگاه رها کن و رفته اول با برادر خود صلح کن بعد از آن آمده هدیه خود را بگذران »

۳ - و باز آیه ۲۵ به بعد در همان باب انجیل متی میگوید -

« با مدعی خود تا با او در راه هستی بزودی صلح نما مبارا که آن مدعی تورا حواله قاضی نماید و قاضیت برهنه کن » « بسپارد و در زندان افکنده شوی به تحقیق که با تو میگویم تا فلس آخری را ادا نمائی به پیجوجه از آن مکان بیرون نخواهی رفت... الخ »

نامه های حواریون بممالک و اشخاص در مذهب عیسی حکم گرفتار حضرت مسیح و تفسیر و بیان مواظ و احکام آن حضرت و صادره از ذات باری میدانند و تمام آنها را علمای دین مسیح مستندات احکام دینی خود شمرده و لازم العمل می شمارند که ذیلا بعضی از آنها را نقل میکنیم -

۴ - در نامه « **پولس حواری با هل روم** » در باب چهاردهم از آیه ۱۹ بیعدمینویسد « پس تابع چیزهایی که مناسب بصلح و تعمیر بکند دیگر دارند باشیم و صنعت خدرا را برای خوراکی ازهم میباش البته همه چیز پاکست لیکن آنکس که با ایذای غیر میخورد حرام است... الخ »

۵ - در نامه دوم (پولس حواری باهل قرتس) در باب پنجم از آیه ۱۸ مینویسد -

« و همه امور از خدایت که مارا بوساطت عیسی مسیح بسوی خود باز گردانیده است و خدمت صلح را با عنایت فرموده است و آن اینست که خدای مسیح دنیا را بسوی خود بر میگردداند و خطای آنها را بر آنها نمیگیرد و کلام مصلحت را در ما قرار داده پس بجهت موسی ایلچیگری مینمائیم و گویا خدا بوساطت ما استدعا مینماید و ما بجهت مسیح استدعا مینمائیم که با خدا صلح نمایم... الخ »

۶ - در نامه (پولس حواری به افسسیان) Efcician در باب دوم از آیه ۱۷ مینویسد -

« و آمد شما را که دور بودید و آنانی را که نزدیک بودند ندا بصلح نمود... الخ »

و باز در باب ششم از نامه فوق از آیه ۱۳ مینویسد -
 « پس کمر خود را بکمر بند راستی و چهار آئینه صدق را پوشیده قائم باشید و چالاکی مژده صلح را بر باها بسته و بر بالای همه سیرایمانرا گرفته که بوسیله آن قدرت خواهید داشت که تمامی تیرهای آتشین شریر را اطفاء نمائید... الخ »

۷ - در نامه اول (پولس حواری به تسلیقیان) Teslineghian در باب دوم از آیه ۱۲ مینویسد -

« و ای برادران از شما استدعا مینمایم که آنانی را که در میان شما به تعب گرفتار و پیشوایان شما در خداوند میباشد و شما را نصیحت می نمایند التفات نمائید و آنها را با نهایت مهربانی عزیزدارید بسبب عمل آنها و باهم

در مقام صلح باشید و ای برادران از شما استدعا مینمایم که سرکشان را نصیحت نمایند و بی جرأتانرا تسلی دهید و ضمه‌فارا معاونت نمایند و نسبت بهمگی در مقام حلم باشید و باحذر بوده که کسی با کسی در مکافات بدی بدی ننماید بلکه دائم در پی خوبی با یکدیگر و باهمه باشید و همواره شادمان و بی‌وسته بدعا مشغول باشید و در هر امر شاکر باشید که اینست خواهش خدا در حق شما از مسیح عیسی... الخ»

ولی در مللی که بیرو دین حضرت مسیح میباشد که امروز ممالک معظم گیتی را تشکیل میدهند کلاً قوای سیاسی از قوای روحانی تجزیه و در وضع قوانین و نظامات بتمام معنی مستقل و در بعضی از امور خیلی نادر از جهت مراجع به حکام شرع خودشان از قبیل نکاح و طلاق (آنهم در بعضی ممالک طبق قوانین مخصوصی اخیراً وضع شده) و در امور معادی پیروی از احکام دینی مینمایند و روی همین علت قوانین محاکمات مدنی ملل مسیحیت با یکدیگر مطابقت نداشته و بمقتضای وضعیت هر کشور قوانین مخصوصی وضع و مورد عمل است بنا بر این احکام صلح در موارد حقوق خصوصی و تجاری و جزائی را نمیتوان از کتب آسمانی عالم مسیحیت استخراج و در این رساله درج نمود.

بقلم آقای دکتر امین فر

کلاهبرداری

ابداد کلاه را بلند کرد. ابوی کلاه را برداشت صدها مرتبه در عمر خود این ناله را شنیده‌ایم و هزارها بار در روزنامه‌ها اقسام و انواع کلاهبرداریهای عجیب خوانده ایم.

اگر تعداد کلاهبرداری زیاد است تقصیر تا حدی بگردن خود مردم میباشد. اگر نمود و پنج درصد تقصیر متوجه کلاهبردار است پنج درصد تقصیر متوجه اشخاصی است که کلاه خود را از دست داده‌اند بی‌اطلاعی و سادگی و بسیاری اوقات نفهم طلبی زیاد مردم باعث تشویق کلاهبرداران است متضررین از کلاهبرداری اغلب یا مردمان ساده و بی‌اطلاعی هستند مثل دهاتی‌ها و پیرزن‌ها که زودتر گول کلاهبرداران را می‌خورند